فهرست

[مقدمه 2](#_Toc116908997)

[نکته اول 4](#_Toc116908998)

[نکته دوم 6](#_Toc116908999)

[جمع‌بندی 7](#_Toc116909000)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه / نکاح

# مقدمه

در ابتدا عرض کنم که مباحثی که در اینجا طرح کردیم گرچه در مقدمات نکاح آمده است اما بارها عرض شده که به شکلی می‌شود این مجموعه مباحث را مستقل دید و به شکل روابط جنسی و ضوابط آن به شکل مستقل در نظر گرفت ولی فقها در کتب خود در مقدمات این‌ها را مطرح کرده‌اند این اهمیتی ندارد که این را در باب مستقلی قرار دهیم یا نه ولی این اهمیت دارد که این احکام به شکل منسجم و منظم و جامع مطرح شود. ولی الآن این‌گونه نیست و پراکنده است و در مقدمات نکاح به‌صورت گذرا مطرح می‌شود یا به‌صورت سطر در باب صلاة آمده است درحالی‌که این منظومه باید شکل بگیرد امر دوم این است که این مباحث از کتاب نکاح مستقل شود یا نه این اعتباری است و ماهم به‌احتمال قوی این مجموعه را در کتاب مستقلی قرار بدهیم ولی این‌که چگونه تبویب بشود در ضمن نکاح آورده شود مجموعه روابط جنسی در ابتدا نکاح بررسی شود بانظم خاص مانعی ندارد اما می‌شود مستقل باشد ولی آنچه مهم است این است که روابط جنسی با نظام مشخصی در فقه موردبررسی قرار بگیرد و به گمان ما با توجه به ابعاد و زوایا و عمقی که دارد ظرفیت را دارد که به شکل مستقل مطرح شود ولی این‌که به شکل مقدمه در باب نکاح بیاید مانعی ندارد. ما چون این مباحث را از عروه و یا تحریر یا کتبی از این قبیل انتخاب می‌کنیم چون نظم و نسقی ندارد پراکنده است و شروع مباحث ما در دفتر اول ما مسئله 31 در باب نکاح عروه بوده است و حتی در مقدمات هم نظمی نداشته ولی ما بر اساس نظمی که در نظر داشتیم این‌ها را قراردادیم و ممکن است این نظم ما هم نهایی باشد و در زمان تقریر نظم بهتری پیدا کند یا این مسئله‌ای که الآن به آن می‌پردازیم مسئله 27 عروه بوده است و این دو قاعده‌ای که به آن پرداخته‌ایم هیچ مسئله مستقلی در باب نکاح ندارد درحالی‌که ملاحظه کردید که این دو قاعده کلیدی در روابط جنسی بین افراد است ما مسئله 27 را به‌عنوان یجوزُ النَظَر الی نِساءِ أهلِ الذمه در ادامه نظمی که به آن داده بودیم به آن پرداختیم ولی به مناسبتی که ایشان مَعَ عَدَدِ التلذُذ وَ الریبه را آورده بود و این را در چند جا آورده بود به این مناسبت وارد این دو قاعده شدیم و بعدا وارد استثنائات حرمت نظر می‌شویم. نظمی که داده بودیم با قطع‌نظر از دو قاعده عامه این بود که نظر به اجنبیه چه حکمی دارد و بعد استثنائات حرمت نظر به اجنبیه را بررسی کردیم که رسیدیم به بحث ذمیه و بعد دیدیم دو قاعده استتراداً مطرح‌شده است و ما به‌طور مفصل به آن پرداختیم.

پس یادآوری می‌کنم مباحثی که الآن طرح می‌شود انتخاب بعضی از مسائل متفرقه در مقدمات نکاح تحریر و عروه آمده است درحالی‌که دو کار باید انجام شود که یکی بسیار ضروری است:

1. قبل از این‌که به نکاح بپردازیم که نکاح رابطه ویژه‌ای است که د اثر عقد پیدا می‌شود و قبل از آن باید روابط جنسی بین افراد باید بررسی شود. افراد و آحاد بشری یکی از روابطی که بین آن‌ها متصور است روابط جنسی است که باید یک نظم و نسقی پیدا کند البته این ظرفیت این را دارد که به‌صورت باب مستقلی در فقه مطرح شود ولی الآن پراکنده است و کثیری از مسائل است که یا به آن پرداخته نشده است یا اگر پرداخته‌شده باشد بدون نظم است مثل این دو قاعده عامه حرمت نظر با تلذذ یا با ریبه این جهت‌گیری است که ما داشتیم.
2. منابع عمده‌ای است که در باب کتاب نکاح به آن مراجعه کردیم و به بعضی بیشتر مراجعه می‌کنیم و به بعضی کمتر و منابع قدما جلد 10ریاض است و جلد 7 کشف اللثام فاضل هندی است اما در کتب معاصر جلد29 کتاب نکاح جواهر است و جلد 20 کتاب نکاح مرحوم شیخ انصاری است که چاپ مجمع الفکر است و جلد 23 حدائق و کتاب النکاح مرحوم حائری مؤسس است که چاپ قدیم دارد و به‌زودی ان‌شاءالله مجموعه‌اش را چاپ خواهیم کرد و در ذیل گرامیداشت تأسیس حوزه جدید قم کاری انجام شد مربوط به شیخ عبدالکریم که آثار ایشان که معدود است و تقریرات دروس ایشان که 25 جلد است آماده‌شده که ان‌شاءالله هر وقت کنگره برگزار شود چاپ خواهد شد و یکی از همین آثار کتاب النکاح است. و مستمسک آقای حکیم است و همین‌طور نکاح حضرت آقای خویی در ضمن مجموعه آثار ایشان و جلد 4 جامع المدارک مرحوم آقای خوانساری و جلد 24 مهذب الاحکام مرحوم سبزواری، و از معاصرین هم انوار الفقاء حضرت آقای مکارم و مجموعه تقریرات درس‌های مرحوم آقای زنجانی که فارسی است و رسمی چاپ‌نشده و ظاهراً در اینترنت بشود پیدا کرد که چند تا اخیر بیشتر محل مراجعه است.

سؤال: ...

جواب: مراجعه بفرمایید به ابتدا بحث ما مفصل این مباحث مطرح‌شده و ارتباط این مباحث با حوزه‌های علوم انسانی جدید مثل بحث خانواده، بحث روابط جنسی بین انسان‌ها در علوم مختلف بحث شده جامعه‌شناسی خانواده روانشناسی خانواده اقتصاد خانواده مدیریت خانواده این‌ها در چهار پنج رشته از علوم انسانی است که مقوله خانواده یک‌بخشی از آنهاست و در بعضی از رشته‌ها به حد استقلال هم رسیده است و مباحثی مثل سیاست خانواده فلسفه خانواده حقوق خانواده تعلیم و تربیت و ارتباطات و امثال این‌ها در مقدمات بحث نسبتاً مفصلی راجع به فمینیسم شده و گرایش‌های فمینیستی و این‌که این مباحث یک نظام فکری در روابط جنسی طرح می‌کند و این در برابر فمینیسم است و بعد هم نظم کلی این باب که باید مستقل شود در آنجا مطرح‌شده است و انواع ارتباطاتی بین افراد از حیث انسانی از منظر جنسی متصور است نظامی پیداکرده است و ما بر اساس همین جلو می‌رویم و در عروه هم به دنبال آن‌ها می‌رویم.

دلیل دهم در قاعده ریبه در حرمت نظر و شبه نظر روایت محمد بن سنان بود که ابتدا بحث سندی آن مطرح شد و بعد هم در مورد دلالت آن نکاتی تقدیم شد و درنهایت به این رسیدیم که اگر بخواهیم بر همه این ظهوراتی که در حدیث شریف است تحفظ داشته باشیم میسر نیست و با ارتکاز قطعی برخورد می‌کنیم و نمی‌توان همگی را حفظ کرد و باید راه‌حلی پیدا کرد که آن‌ها عرض کردیم. حدیث می‌فرمود: «وَ حُرِّمَ‏ ازنظر إِلَى شُعُورِ النِّسَاءِ الْمَحْجُوبَاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَ إِلَى غَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَ مَا يَدْعُو التَّهْيِيجُ إِلَيْهِ مِنَ الْفَسَادِ وَ الدُّخُولِ فِيمَا لَا يَحِلُّ وَ لَا يَجْمُلُ‏ وَ كَذَلِكَ مَا أَشْبَهَ الشُّعُور»[[1]](#footnote-1)

بعد از گذر از احتمالاتی که مطرح کردیم برای تبیین روایت و حل معضل معارضه ظهورات با ارتکاز شاید بتوان گفت که آنچه عرفی‌تر است در مقام فهم روایت همان شأنیت تهییج است و با مناسبات حکم و موضوع و ارتکازات لبی که داریم این راه‌حل مقبول‌تر است وقتی می‌گوید حُرِّم النظَر به شُعُورِ النِّسَاء به دلیل لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ‏ الرِّجَالِ‏ همین که ما میدانیم دائمی نیست و اوضاع و احوال شخصی متفاوت است این قرینه لبی چسبیده به ذهن است و کسی که این را ببیند می‌گوید دارد تهییج نوعی و شأنی را بیان می‌کند چون در این نگاه علی الاصول قوه و استعداد و شأنیت این هست که هیجانات شهوانی برانگیزد از این جهت تحریم شده است.

اگر حکمت بگیرید ما حکمت را بی خاصیت مطلق نمی‌دانیم اگر هم علت بگیریم ظهور علیت با این قید کاملاً قابل جمع است و بنابراین شاید اولی در میان این وجوهی که متصور است این است که بگوییم «لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ‏ الرِّجَالِ» تهییج در این جمله تعلیل عبارت است شأنیت و استعداد هیجان شهوانی ایجاد کند و فرقی ندارد که دور باشد یا نزدیک این ظرفیت در نگاه وجود دارد از این جهت خداوند این نظر را تحریم کرده است.

سؤال: ...

جواب: اگر می‌داند عمل شأنیت تهییج را هم ندارد از مدلول روایت خارج است و وقتی شأنیت دارد ولی مانعی دارد این فرقی نمی‌کند

سؤال: ...

جواب: بله هرچه شأنیت تهییج شهوانی دارد وارد دلیل می‌شود و التزام به این هم بعید نیست شاید خوف وقوع در حرام هم یکی از مصادیق مهمش همین باشد که عرض می‌کنم.

اگر ما بگوییم «لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ‏ الرِّجَالِ» یعنی کلُ ما فیه شأنیت و استعدادُ شهوانی حرام است هر ارتباطی که بین افراد برقرار می‌شود اگر استعداد تهییج دارد حرام است بنابراین قاعده‌ای پیدا می‌شود که می‌گوید آنچه در آن شأنیت هیجانات شهوانی است حرام است رابطه این را با ریبه بیان می‌کنیم. اگر این را بپذیریم سه چهار نکته را باید بیان کنیم:

# نکته اول

حمل این روایت و امثال آن بر شأنیت تهییج مدلول فحوایی هم دارد که آن تهییج بالفعل است اگر تهییج نوعی محکوم‌به حرمت است پس تهییج بالفعل حتماً حرام است و لذا یکی از این دو حرام است یا تهییج بالفعل ولو شأنا تهییج در آن نباشد یا این‌که شأنا موجب التذاذ می‌شود چون روایت را بر التذاذ شأنی و مافیه استعداد تهییج حمل می‌کنیم و میگوییم حرام است و عقل ما درک می‌کند اگر مستعدٌ لتهییج محکوم‌به تحریم شد به طریق اولی آنچه بالفعل تهییج می‌کند محکوم‌به حرمت است و بین این دو من وجه است گاهی چیزی شأنیت تهییج دارد و اینجا هم مانعی ندارد و لذا تهییج فعلی دارد و گاهی هم تهییج دارد ولی بالفعل نشده است و ممکن است تهییج شهوانی موردی فعلی باشد درحالی‌که نوع این هیجان را ندارد و ممکن است کسی به لحاظ شخصی ترشحات و هورمون‌ها شکل ارگانیزم بدنش شرایط غیرعادی شهوانی داشته باشد که این هم حرام است و لازم نیست هیجان شأنی هم در او باشد. پس اگر میان این وجوه این وجه را بپذیریم و حمل کنیم بر تهییج شهوانی و نوعی که تناسب آن با موضوع درست است و با ارتکازات سازگار است در این صورت دو قاعده قابل‌استفاده است: یکی این‌که نظر و تماس با القاءخوصیت و سایر تماس‌هایی که استعدادهای روشن عرفی برای هیجان شهوانی است این‌ها همه حرام است. و دوم این‌که هرچه تهییج بالفعل شهوانی دارد حرام است و نمی‌شود دنبال آن چیزی رفت که در آن التذاذ است این از فحوا استفاده می‌شود این دو قاعده است با دو مصب یکی حرمة کلُ ما فیه استعدادُ لتهییج و یکی هم حرمةُ کل ما هو مهیجٌ بالفعل که این قاعده دوم از فحوا استفاده می‌شود و به همان قاعد التذاذ برمی‌گردد.

سؤال: اگر من وجه باشد برمی‌گردد به قیاس اولوی چگونه برقرار می‌شود قیاس اولوی این بود که رابطه مطلق داشته باشد

جواب: نه برای اینکه می‌شود بگوییم تهییج شأنی به خاطر استعداد حرام است ولی جایی که استعداد نیست ولی بالفعل حرام نیست این را عقل قبول نمی‌کند شما می‌فرمایید اگر من وجه شد فحوا نیست ولی ما میگوییم هست آن نقطه محوری تهییج است و عقل می‌فهمد که استعداد تهییج را منشأ حرمت قرارداد حالا اگر تهییج بالفعل باشد نمی‌شود آن‌ را حرمت قرار نداد و در فحوا این‌که مطلق باشد قاعده نیست و می‌تواند من وجه باشد.

این دو قاعده است که فحوا همان التذاذ است که قبلاً عرض کردیم و شأنیت تهییج هم می‌شود قاعده‌ای که قابل‌توجه است.

سؤال: ...

جواب: فرض گرفتیم که تهییج را ازلحاظ انصراف تصرف کردیم یعنی تهییج استعدادی وقتی این شد لفظاً نمی‌تواند دلالتی درست شود و باید به فحوا رجوع کنیم و البته دلالت فهوایی در اینجا بسیار قوی است.

سؤال: ما رفتیم سراغ شأنی که اشکال را درست کنیم ولی برگشتیم به همان بالفعل پس اشکال هم برمی‌گردد.

جواب: نه آن ازلحاظ لفظی نمی‌توانستیم این‌ها را باهم جمع کنیم و اشکال ازلحاظ لفظی حل شد ولی آنچه ارتکاز نمی‌گذاشت آن را حفظ کنیم این بود که در مواردی ما نظر داریم درحالی‌که تهییج بالفعل نیست و اگر این را فقط به تهییج بالفعل حمل کنیم اشکال ایجاد می‌شود ولی وقتی به تهییج شأنی و نوعی توسعه دادیم و گفتیم مدلول مطابقی تهییج استعدادی و شأنی است به شمول حرمت نظر نسبت به‌جاهایی که تهییج بالفعل نیست مشکلی نداریم ضمن این‌که تهییج بالفعل هم اضافه می‌شود صرف وجود تهییج فعلی در مدلول چه مطابقی چه فحوا ضرر نمی‌زند بلکه حصر در تهییج فعلی ضرر میزند که آن را برداشتیم.

سؤال: مثلاً کسی بیماری دارد که نظر موجب تهییج شهوانی می‌شود این هم حرام است؟

جواب: بله، ما میگوییم آنچه حرام است احد الامرین است که بین آن‌ها من وجه است یکی افعال و تماس‌هایی که علی‌القاعده و طبق تلقی عرف استعداد هیجان شهوانی دارد و دوم درجایی که بالفعل هیجان شهوانی ایجاد می‌کند. اگر باهم جمع شود تأکید ایجاد می‌کند یعنی اموری که استعداد تهییج دارد و این استعداد تحقق پیداکرده ولی اگر از هم جدا شود هرکدام حکم خود را دارند و حرمت مستقل برای آن‌ها مفروض است.

بعد از اینکه طرح مسئله شد و مشکل تبیین شد و راه‌حل بیان شد میان راه‌حل‌ها این راه‌حل تأیید شد و بعد هم اولین نکته‌ای که مطرح شد این بود که این مدلول یک مدلول فهوایی هم دارد و از این لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ‏ الرِّجَالِ دو قاعده استفاده می‌کنیم قاعده دوم که از فحوا استفاده شد می‌شود دلیل بر قاعده التذاذ که سابق عرض کردیم و روایت را نهمین دلیل برای قاعده التذاذ بیان کردیم و تقریر هم تقریباً همین بود ولی تقریر اخیر دقیق‌تر و جامع‌تر بود.

# نکته دوم

نسبت مدلول اول که شأنیت تهییج بود باقاعده ریبه چیست؟ قاعده‌ای که اینجا از مدلول مطابقی از بر اساس ترجیحی که دادیم قابل‌استفاده است این است: کلُ ما فیه استعداد لتهییج الشهوانی محرمٌ و قاعده‌ای که الآن بحث می‌کنیم این است که آنچه در آن خوف وقوع محرم است که این معنای جاافتاده ریبه بود که مرحوم صاحب عروه در مسئله 27 این را آورده بودند. و فرمودند: یجوز النّظر الى نساء أهل الذمّه بل مطلق الکفّار مع عدم التلذّذ و الریبة این دو قاعده است ریبه را معنا کرده‌اند : أیّ خوف الوقوع حرام یعنی نگرانی از وقوع حرام در آینده نگران است که این نظر در آینده او را به حرامی بکشاند این معنای جاافتاده از ریبه است البته طیفی از معانی را در آغاز بحث طرح کردیم از تصور تمایلات تا خوف وقوع که این اوجش بود.

سؤال: ...

جواب: مناسبات حکم و موضوع است و بعد اشاره کرده «وَ مَا يَدْعُو التَّهْيِيجُ إِلَيْهِ مِنَ الْفَسَادِ وَ الدُّخُولِ فِيمَا لَا يَحِلُّ وَ لَا يَجْمُلُ‏» این روشن می‌کند که حرام را می‌گوید.

سؤال: آخرش می‌گوید ...

جواب: نه این در این روایت نیست در روایت دیگری است.

مطلب دوم این است بنا بر تفصیلی که از روایت به دست آمد روایت می‌گوید ما فیه استعداد لتهییج محرمٌ و آنچه ما بحث می‌کنم خوف وقوع در محرم است و ما باید نسبت این‌ها رو مشخص کنیم.

ممکن است کسی ادعا کند که این‌ها بر هم منطبق‌اند چون استعداد تهییج شهوانی حرام هر جا باشد نگرانی از وقوع حرام هم هست و افعالی که در آن استعداد تهییج شهوانی باشد یعنی در آن نگرانی هم هست و ممکن است بالقوه باشد یا بالفعل. اگر کسی دقت کند و حساسیت شرعی داشته باشد همین نگرانی عقلانی در امری که استعداد ایجاد شهوت دارد به وجود می‌آید. اگر کسی بگوید این دو بر هم منطبق است در این صورت این بهترین دلیل بر ریبه می‌شود درحالی‌که هیچ‌کدام از فقها این را نگفته‌اند. زیرا حمل می‌شود بر ما فیه استعداد للتهییج و کل ما فیه استعداد للتهییج الشهوانی ففیه الخوف من الوقوع فی المحرم. جایی که استعداد هیجانی شهوانی در او باشد خوف هم هست که عقلایی است. حال ممکن است کسی خوف بالفعل نداشته باشد به دلیل اینکه بی‌غیرت است یا توجه ندارد. اگر توجه کند این خوف در او پدید می‌آید. خوف وقوع در محرم لازم نیست بالفعل باشد. یعنی شأنیت خوف داشته باشد. شأنیت تهییج با شأنیت خوف بر هم منطبق‌اند.

سؤال: مرض بیمار خوفش عقلایی است؟ در معرض بیماری قرار گرفتن....

جواب: ما می‌گوییم در همه مواردی که استعداد عرفی تهییج وجود دارد زمینه وقوع خوف در محرم هست.

سؤال: اگر به خوف عقلایی در ناحیه بیوه شخص بیمار خوفش عقلایی نیست

جواب: اگر کل ما فیه استعداد لتهییج الشهوانی ففیه الخوف من المحرمٌ بنابراین قاعده‌ای که افاده می‌کند منطبق بر وقوع محرم هم هست یعنی در هرجایی که استعداد تهییج است خوف هم وجود دارد اما در آن طرف قصه آیا خوف در محرم هم منطبق بر آن است یا اعم است؟ ممکن است کسی بگوید خوف در وقوع محرم همیشه شأنیت وجود ندارد ممکن است درجایی برای عرف شأنیت ندارد اما برای او به دلایلی خوف وقوع در محرم پیدا می‌شود باید ببینیم که این هم مشمول روایت می‌شود با فحوا یا با القاء خصوصیت یا نه؟

سؤال: ...

جواب: هسته اصلی این است که به سمت گناه برود ممکن است شأنیت هم نبود ولی او شخصی دارای احوالی بود که این شأنیت در او ایجاد می‌شود او هم مشمول این حکم می‌شود پس بعید نیست که این روایت ادل دلالت باشد و تطبیق بالاتری در بحث خوف وقوع محرم داشته باشد این هم تقریری است که از این روایت می‌شود به عمل آورد.

# جمع‌بندی

تعلیلی که در روایت محمد بن سنان آمده است هر دو قاعده را افاده می‌کند هم قاعده حرمت التذاذ شهوانی و هر عملی که در آن قصد التذاذ و هیجان شهوانی باشد و هم قاعده‌ای که هرچه در آن نگرانی این است که او را به حرام بکشاند و مطلق هم هست و فقط زنا نیست که آن آخرین مرحله است انواع نگرانی‌هایی که نسبت به خوف وقوع به محرمات وجود دارد در قاعده خوف وقوع در محرم می‌آید این شاید از سایر ادله سابق دلالت بیشتری داشته باشد.

سؤال: ریبه خوف فعلی است یا خوف شأنی؟

جواب: خوف شأنی است چون نمی‌شود در خوف فعلی گفت مثلاً کسی که بی‌غیرت است بگوییم برای او حرام نیست ولی برای آدم باغیرت حرام است برای این قرینه لبیه ای داریم که الخوف من الوقوع فی المحرم یعنی شأنی این هم جزء فروعاتی است که در پایان ادله بحث می‌کنیم.

این ه م ده دلیل است که عرض کردیم و اگر در خبر محمد بن سنان نکته تکمیلی داشتیم عرض می‌کنیم وگرنه روایاتی که در فصول قبل گفتیم مثل النظره بعد النظره، یا النظره سهم من سهام الابلیس استدلالی داشته باشیم.

1. . [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج20، ص194، أبواب أبواب مقدّمات النكاح وآدابه، باب104، ح12، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/20/194/الشعور) [↑](#footnote-ref-1)